

منابع: بهرام آزادبخت و غلامرضا نوروزی، جغرافیای آبهای ایران، تهران ۱۳۸۷ ش؛ ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون، چاپ منصور رستگار فسلی، شیراز ۱۳۷۴ ش؛ اصطخری؛ بدالیه افشین، رودخانه‌های ایران، تهران ۱۳۷۳ ش؛ محمدتقی بهار، سبک‌شناسی، یا، تاریخ تطور نشر فارسی، تهران ۱۳۵۵-۱۳۵۶ ش؛ میخائیل پلاتونویچ پتروف، مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه ح. گل‌گلاب، تهران ۱۳۳۶ ش؛ جعفرین محمد جعفری، تاریخ یزد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۸۴ ش؛ عباس جعفری؛ علی‌اصغر درویش‌صفت، اطلس مناطق حفاظت‌شده، طرح: معاونت محیط زیست و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، تهران ۱۳۸۵ ش؛ رقبه رستم‌زاده گوگانی، پیدایش و شناخت رودخانه‌های آذربایجان: شاه‌رگ‌های حیاتی، تبریز ۱۳۸۶ ش؛ عبدالرحیم بن محمدابراهیم ضرابی، تاریخ کاشان، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۷۸ ش؛ فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱-۱۳۸۲ ش؛ حسن بن حسن فسائی، فارسنامه ناصری، چاپ منصور رستگار فسائی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ احمدبن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۸۶ ش؛ پرویز کردوانی، منابع و مسائل آب در ایران، ج ۲، تهران ۱۳۷۱ ش؛ کیهان؛ لطف‌الله منعم پایان، فرهنگ رودهای ایران، تهران ۱۳۵۳ ش؛ حجت موسوی، «پدیده دیابریسم نمکی و تأثیر آن بر آلودگی منابع آب با تأکید بر ایران»، فصلنامه پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۱، ش ۸۴ (زمستان ۱۳۹۱)؛ عبدالغفاربن علی محمد نجم‌الدوله، آثار نجم‌الدوله: سفرنامه دوم نجم‌الدوله به خوزستان، چاپ احمد کتایی، تهران ۱۳۸۶ ش؛ نقشه جمهوری اسلامی ایران: براساس تقسیمات کشوری، مقیاس ۱:۱۶۰۰۰۰۰، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۹۶ ش؛ نقشه ناهمواریها و حوضه رودخانه‌های ایران، مقیاس ۱:۱۷۰۰۰۰۰، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۹۵ ش؛ حسن یگانه و همکاران، «بررسی اجتماعات گیاهی حوزة آبخیز رودخانه شور سیرجان، کرمان»، فصلنامه آمایش محیط، ش ۵ (تابستان ۱۳۸۸).

/ محمد محمودپور /

شورا، مفهومی قرآنی به معنای بهره‌گیری از خرد جمعی و نظر دیگران در امور مهم. ماده «ش و ر» در اصل به معنای برگرفتن عسل از جایگاه آن است؛ و مفهوم مشورت نیز، چون مشورت‌گیرنده نظر کسی دیگر را برمی‌گیرد، از همین ماده مشتق شده است (ابن فارس، ذیل «شور»؛ نیز به ابن منظور، ذیل «شور»). مشتقات این ماده سه بار در قرآن آمده، و از آن میان، واژه «شوری» در یک آیه ذکر شده در آن مشورت‌کردن (شوری)، در کنار اجابت دعوت خدا و برپاداشتن نماز، هر سه، از ویژگیهای مؤمنان و رستگاران خوانده شده است (شوری: ۳۸). در آیه‌ای دیگر، ضمن اشاره به نرم‌خوبی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،

زین‌آباد سرچشمه می‌گیرد و پس از دریافت شعباتی چون شوری‌چای و بیزنه‌رود به قزل‌اوزن می‌ریزد. از دیگر رودهای شور در حوضه قزل‌اوزن می‌توان به شورآب در شهرستانهای دیواندره و بیجار، شوربلاغ در شهرستان ماهنشان، شورجه‌چای در شهرستان چاروایماق، و شورچایی در شهرستان هشتگرد اشاره کرد (فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۹). دو رود با نام شورچای در شهرستانهای مرند و خوی نیز در حوضه رودخانه ارس جریان دارند (همان، ج ۲، ص ۳۹).

حوضه آبریز دریاچه ارومیه. رودهای شور این حوضه از حوضه ایران مرکزی، شرق و جنوب ایران کمتر است. تلخه‌رود (یا آجی‌چای) تا حوالی شهر مهربان، از توابع شهرستان سراب، آب شیرین دارد، اما پس از آن در نتیجه عبور از زمینهای شوره، تشکیلات نمکی و گچی در قسمت سفلا و دریافت شاخه‌های شور دیگری، همچون شوره و شور دوزدوزان، شور و تلخ می‌شود (افشین، ج ۱، ص ۴۷۲-۴۷۳، ۴۸۲-۴۸۳؛ کردوانی، ج ۲، ص ۶۷؛ فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۱، ص ۲۱). ریختن تلخه‌رود و نیز برخی رودهای دیگر همچون زینه‌رود*، سیمینه‌رود*، باراندوزچای، شهرچای، نازلوچای و مه‌بادچای، که آبشان شور است، مهم‌ترین عامل شوری آب دریاچه ارومیه است (رستم‌زاده گوگانی، ص ۱۶؛ نیز به ارومیه*، دریاچه).

حوضه آبریز قراقوم. قراقوم* / قره‌قوم شتزار پهناوری میان کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است که بخش بیشتر آن در ترکمنستان قرار دارد (افشین، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸؛ پتروف، ص ۸۰؛ نقشه جمهوری اسلامی ایران).

رودی به نام شور از دامنه‌های کوه سیرم در ۷۵ کیلومتری شمال‌شرقی شهر مشهد سرچشمه می‌گیرد. این رود در روستای قلیچ‌آباد از توابع شهرستان کلات به رود طرُقَطی یا قره‌تیکان می‌پیوندد و در نهایت به بیابان قراقوم می‌ریزد (افشین، ج ۲، ص ۳۳۱؛ عباس جعفری، ج ۲، ص ۳۲۹).

کال آب شور از کوه زلوقال (ارتفاع ۱۹۱۹ متر) در شصت کیلومتری جنوب‌غربی شهر سرخس سرچشمه می‌گیرد. این رود پس از دریافت کال‌سرخ و سپس شورلق (یا کال‌گری) به سوی قراقوم جریان می‌یابد (فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۵-۶، ص ۹۳، ۹۶، ۱۰۵).

چند رود دیگر نیز در این حوضه یا نامهای کال‌شور، کال شورده و کال‌شورک جریان دارند که همگی آنها به قراقوم منتهی می‌گردند (همان، ج ۵-۶، ص ۱۰۶-۱۰۷).